

سوریه، میدان تقاطع مقاومت و واقع‌گرایی: نگاهی نو به وحدت اسلامی در عصر تجاوز صهیونیستی

در میان آشوب منطقه‌ای، بحران‌های پیچیده هویتی، و تداوم تجاوزات صهیونیستی، سوریه به یکی از بغرنج‌ترین صحنه‌های تقابل حق و باطل، وحدت و تفرقه، و مقاومت و سازش بدل شده است. استمرار بمباران زیرساخت‌های سوریه از سوی رژیم صهیونیستی، در کنار سکوت نهادهای بین‌المللی و عادی‌سازی رفتارهای متجاوزانه تل‌آویو، نشانه روشنی از بی‌پروایی رژیم صهیونیستی برای حذف کامل هویت اسلامی منطقه است.

در این میان، تحلیل صحیح تحولات سوریه نیازمند تلفیقی از واقع‌گرایی، اصول‌گرایی، و شناخت پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه است. نباید از این واقعیت چشم‌پوشی کرد که دولت کنونی سوریه، برخلاف سابقه مقاومت دولت حافظ اسد، در سال‌های اخیر گرایش‌های آشکار به صهیونیسم نشان داده و مشروعیت خود را از مسیر سرکوب، شبه‌نظامی‌گری و حتی پیوندهای مشکوک با ساختارهای تروریستی کسب کرده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی مهم ۲۱ آذر ۱۴۰۳ با نگاهی استراتژیک به بحران سوریه، ریشه تحولات را نه در درگیری‌های داخلی، بلکه در اتاق‌های فرمان تل‌آویو و واشنگتن معرفی کردند:

«اگر اینها نقشه‌کش حوادث سوریه نبوده‌اند، چرا برخلاف دیگر کشورها ساکت ننشستند و با بمباران صدها مرکز زیرساختی، عملاً در حوادث جاری دخالت کردند؟»

دولت کنونی سوریه؛ واقعیتی دوگانه در منظومه مقاومت

گرچه سوریه در حافظه جمعی امت اسلامی، نماد مقاومت، همراهی با محور فلسطین، و حامی تاریخی جمهوری اسلامی در دوران دفاع مقدس بوده است، اما نباید انکار کرد که ترکیب فعلی قدرت در دمشق، ترکیبی مشکوک، ایدئولوژیک‌زدوده و بعضاً نزدیک به گفتمان‌های ضد مقاومت است.

پرسش اساسی این است: آیا این دولت می‌تواند شریکی اصیل در منظومه وحدت اسلامی باشد؟ پاسخ، پیچیده

اما شفاق است: وحدت اسلامی هرگز به معنای همسویی با دولت‌ها، بلکه همبستگی با ملت‌ها، آرمان‌ها و ساختارهای اجتماعی مؤمنانه است.

در این چارچوب، حمایت از ملت سوریه، دفاع از استقلال سرزمینی، و ایستادگی در برابر اشغالگری صهیونیستی، با مرزبندی آگاهانه نسبت به انحرافات ایدئولوژیک یا سازش‌کارانه دولت حاکم منافاتی ندارد.

صهیونیسم: دشمن مشترک اسلام، چه سنی و چه شیعی

رژیم صهیونیستی اثبات کرده که هیچ دولتی—even سازش‌کارترین و لائیک‌ترین آن‌ها—در دایره «امنیت وجودی» مورد نظرش جایی ندارد. او به‌درستی می‌داند که هر نشانی از اسلام، هرگونه فرهنگ مقاومت، و هر نوع وحدت فرامذهبی، تهدیدی برای بقای پروژه استعماری‌اش است.

چه دولت‌ها سرکوب‌گر باشند، چه مذهبی؛ چه سکولار باشند و چه انقلابی، اسرائیل نابودی همه اشکال حضور اسلامی در جغرافیای مقاومت را دنبال می‌کند.

این نکته، وظیفه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را دوچندان می‌کند تا با کنار زدن ملاحظات تاکتیکی، به بازتعریف "تقریب در بستر تقابل تمدنی" پردازد؛ تقریبی که نه بر مدار تعارف‌های دیپلماتیک، بلکه بر محور عقلانیت ایمانی، مقاومت اجتماعی و آگاهی جمعی استوار باشد.

توصیه راهبردی: وحدت برای امت، نه لزوماً برای دولت‌ها

رهبر معظم انقلاب به‌درستی فرمودند:

«مقاومت نه یک سخت‌افزار قابل شکستن، بلکه ایمان و تصمیم قلبی است... جبهه مقاومت را نمی‌توان با فشار و جنایت درهم شکست.»

سوریه امروز، نه نماد یک دولت آرمانی، بلکه محل تلاقی دو جبهه است: جبهه صهیونیسم اشغالگر و جبهه ملت‌های مقاوم. اگر چه دولت دمشق در برهه‌هایی خود را از مقاومت فاصله داده است، اما نمی‌توان میدان سوریه را به صهیونیسم واگذار کرد، چرا که دشمن تنها به دنبال تغییر حاکم نیست؛ او به دنبال

حذف ملت و هویت است.

وظیفه نهادهای تقریبی در این برهه چیست؟

تبیین دقیق وضعیت سوریه، بدون ساده‌سازی و دوگانه‌سازی‌های مطلق.

مرزبندی میان دفاع از ملت سوریه با توجیه رفتارهای رژیم دمشق.

ارتباط گسترده با نخبگان اهل سنت و شیعه در سوریه، برای ایجاد بدیلی وحدت‌گرا.

بازتولید مفهوم "امت اسلامی" فراتر از مرزهای سیاسی و حاکمیتی.

افشای چهره حقیقی رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن مشترک تمام طیف‌های اسلامی.

نتیجه‌گیری

سوریه امروز صحنه تلاقی واقع‌گرایی و اصول‌گرایی در منظومه جهان اسلام است. باید هم از اشغال و تجاوز دفاع کرد و هم نسبت به انحرافات دولت‌ها هوشیار بود. مقاومت در سوریه، بیش از آنکه در خطوط سیاسی دولت‌ها معنا شود، در ایمان و بیداری ملت‌ها و نخبگان مؤمن و مستقل ریشه دارد.

در این میان، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی باید پرچمدار نوعی تقریب واقع‌گرا، مقاوم و تمدن‌ساز باشد؛ تقریبی که ضمن دفاع از ملت‌های تحت ظلم، از عبور ناآگاهانه از کنار انحرافات قدرت‌های حاکم نیز بپرهیزد.

اسرائیل خواهد رفت. چه دولت‌های سازش‌کار بمانند، چه نمانند. اما این امت اسلام است که باید بیدار بماند.

امید علی پور

